

حسین شب زندگانه دار

رسیدگی بزنگانی دیگران

یکی از موضوعاتی که قرآن کریم با فشاری فراوانی روی آن دارد، و مکرر آنگاه کرده است، این موضوع است که رزق و روزی بدست خداست؛ و بهر کس بخواهد و صلاح بدانند رزق بیشتر عنایت میکند؛ و بهر کس مصلحت ندانند روزی کمتر میدهد.

در سوره زمر آیه ۲۶ میفرماید: *اللّٰهُ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشاءُ ویَقْدِرُ* خداوند روزی هر کس را که بخواهد بسط و وسعت میدهد، و (روزی هر کس را بخواهد) تنگ میگیرد.

و نیز در سوره دیگر قریب بهمین مضمون بیان فرموده است.

البته این موضوع منافاتی با دستور کار کردن و کوشش نمودن برای تحصیل روزی که در آیات (۱) نیز تاکید روی آن شده است، ندارد زیرا همه ما افراد فراوانی را میشناسیم که شب و روز دنبال تلاش و فعالیت هستند و در عین حال نمیتوانند مخارج روزانه خود را بدست آورند، و غالباً کسری دارند که اینک به عکس افرادی را هم میشناسیم، که تجارت مهمی ندارند، و فعالیت زیادی هم نمیکند، مع الوصف درآمد آنها خوب

(۱) از قبیل آیه کریمه فاذا قضیت الصلوة فانثروا فی الارض وابتغوا من

است و از مخارج خود زیادتر هم در می آورند.

بالاخره کار و کوشش يك راه معمولی تحصیل رزق است که باید برای امرار معاش دنبال آن رفت و چاره‌ای هم نیست ، ولی اینطور هم نیست که صد درصد احتیاجات انسان از این راه تأمین گردد.

همانطور که بودن روزی بدست خداوند و رزاق بودن او هم دلیل بر اینکه انسان بیکار بگردد و منتظر باشد خداوند بدون مقدمه جیب انسان را پر از پول نماید، نمیباشد.

بلکه قرآن کریم می‌خواهد مسلمانان را اینگونه تربیت نماید که آنها در عین حالی که سعی و کوشش و فعالیت برای امرار معاش دارند، متوجه باشند که امام همه امور بدست خداست و بهر نحو که صلاح بداند وضع دهد آمد و رزق انسانها را قرار میدهد .

این تفاوت بین افراد از نظر رزق و روزی همیشه بر انسانها کم و بیش حکومت داشته است؛ و راهی برای ریشه کن نمودن آن بطور کلی در دست نیست البته پر واضح است که هر اندازه کار در بین مردم بیشتر باشد (و باید هم باشد) وضع اقتصادی آنها بهتر خواهد بود ولی کلام اینجا است که با توسعه کار نمیشود همه افراد را در يك ردیف قرارداد، زیرا از همه چیز گذشته يك عامل مهم برای اختلاف درآمد اشخاص تفاوت فکرو سلیقه آنها در انتخاب کار است و بدیهی است که سود و درآمد کارها تفاوت فاحش دارد و این اختلاف و تفاوت حتی در طرز زندگی کمونیستها با آنها هم خوابهای شیرینی که برای آن می‌بینند موجود و برقرار است !!
و چه بسا منظور از این حدیث که امام نهم حضرت جواد الائمه (ع)

فرموده است لا يزال الناس بخير ما تفاوتوا فاذا استوا هلكوا (۱) یعنی مردم تا آنگاه باخیر و آسایش همراهند که تفاوتی در بین آنها باشد، و اگر بخواهند از هر جهت مساوی و برابر شوند هلاک خواهند شد همین تفاوت باید در وضع اقتصادی و روزی باشد، زیرا تا وقتی همه کارها و لوازم زندگی بطور طبیعی انجام مییابد که تفاوتی در زندگی اشخاص باشد، وعده‌ای برای رفع احتیاج دنبال هر گونه کاری بروند!

بهر حال این اختلاف در رزق در گذشته‌ها بر انسان حکومت نموده

و در آینده هم حکومت خواهد نمود!

چیزی که هست اگر این اختلاف عمیق شد و بین زندگیها تفاوت فاحش پیدا شد يك خطر بزرگ سر راه دارد و آن خطر الاناحیه انقلاب و آشوبی است که بالاخره از طرف مستمندان و آشنائی که در بحران شدید اقتصادی گرفتار هستند در خواهد گرفت از صحابی جلیل و زاهدی بدیل ابو ذر غفاری نقل شده است که میفرمود: عجب لمن لا یجد القوت فی

بیته کیف لا یخرج علی الناس شاهرا سیفه (۲) یعنی تعجب دارم که چگونه آنکسی که قوت و غذائی در خانه ندارد با شمشیر کشیده بمردم حمله نمیکند! اوراستی مگر ممکن است آشنائی که از ضروری‌ترین لوازم زندگی محرومند، دائما چشم‌پاژ کنند، وعده‌ای را در بهترین طرز زندگی غوطه‌ور به بینند، و همیشه عیاشیهای افراطی آنها را تماشا کنند، اما در خود احساس آرزوی داشتن يك زندگی چندین درجه پائین‌تر از زندگی آنها نمایند و یا اگر این آرزو را کردند برای ابد آنرا سرکوب کنند

(۱) منتهی الامال

(۲) امام علی

و هیچگونه بغض و عنادی نسبت بآندسته در این افراد پیدا نشود مگر نه قرآن کریم در باره بنی اسرائیل که مربوط به چند هزار سال قبل است نقل میکند که وقتی قارون با زینت و پیرایه فراوان خود بیرون آمد گفتند یا لیت لنا مثل ما اوتی قارون (۱) ایکاش برای ما هم مثل آنچه قارون دارد فراهم بود؛ تا چه رسد ب مردم این عصر و دوران.

در اینجا برای نمونه منظره هولناک و خطر آمیز يك فاصله عمیق بین دو طرف را ندگی از نظر خواننده محترم میگذرانیم.

تاریخ گوشه‌ای از ولخر جیهای بنی العباس در جشن همسری «پوران دخت» دختر حسن بن سهل با مأمون ثبت نموده است .

۱ - گلونه‌هایی از مشک ساخته شده بود ؛ و میان آنها بـرک کوچکی که نام ملك - مزرعه - غلام - کنیز بر آن نوشته شده بود ، نهاده بودند ؛ و آنها را بین رجال و اعیان تقسیم میکردند ؛ و شانس آنها هر چه میگفت ، آنرا نزد خزانه دار میبرد و تحویل میگرفت

۲ - کشتیهایی که در آن جشن آماده خدمت بودند و کار میکردند

فقط ۳۶ هزار عدد بود !

۳ - در یکی از روزها که همیزم تمام شد پارچه‌های کتان بجای آن

در وقت خیس کردند و زیر دیگرها زدند.

۴ - در شب عروسی بساط زر بفتی گسترده و ظرف مرصعی پر از

مروارید درشت آوردند و روی آن بساط طلا آنها را نثار کردند.

بالاخره هزینه بر کزاری آن جشن فقط به ۵۰ میلیون درهم رسید .

۵ - سپس مأمون ۱۰ میلیون درهم به حسن بن سهل انعام داد ! و فم الصلح را بعنوان تیول بوی وا گذار نمود و مدت یکسال مالیات و درآمد فارس و خوزستان را نیز با و وا گذار کرد .

۶ - شب دوم عروسی جده عروس ۱۰۰۰ مرد وارد که در سینی طلای مرصع نشان بودند در جلوی پای مأمون نثار نمود ! (۱)

حالا نظری هم بوضع فلاکت بار مردم در همان دوره بیفکنیم .

محمد بن ابراهیم که یکی از نواده های پیشوای نخستین حضرت علی (ع) بود یکر و زاو کوچه های کوفه عبور میکرد ، دید پیر زنی دنبال قافله ای که بار خرما داشت افنداده و اگر احياناً دانه خرمائی بزمین میافتاد بر میداشت و در گوشه چادر پاره خود پنهان مینمود ! محمد جلو آمد ، پرسید چرا اینکار میکنی ؟ گفت سرپرستی ندارم و دارای چند دختر هستم که هیچ کاری از آنها ساخته نیست ، ناچارم قوت لایموتی برای آنها فراهم کنم و این چند دانه خرما را برای قوت خودم و آنها جمع میکردم !! دل محمد برای حال آن پیره زن بیچاره سوخت و اشکش جاری گردید و گفت : **انت والله واشباهک تخر جونی غدا حتی یسفکک دمی** یعنی وضع فلاکت - بار تو و ما نندهای تو مرا مجبور می کند که علیه دستگاه (بنی عباس) قیام کنم ! و جانم را در راه شماها فدا نمایم ! و بالاخره برس این راه جان داد (۲)

راه پیشگیری از انقلاب

اسلام که در همه موارد عالیترین بر نامه هارا بمنظور رفاه و آسایش

(۱) تاریخ تمدن اسلام ج ۵ ص ۲۱۲

(۲) الامام علی ص ۱۱۲۶

دنیا و آخرت بیشتر معرفی میکند در اینچنانیز بادو بر نامه صد در صد صحیح
اولاً جلو انقلابات را گرفته است! و ثانیاً سروسامانی بوضع بیچارگان
داده است!

۱- جلو گیری از اسراف و تندر و یها در زندگی و تجملات ناروا

۲- انفاق و رسیدگی بزندان دیگران

در قرآن کریم آیات بسیاری راجع بانفاق و رسیدگی بزندگان
دیگران آنهم بطور محرمانه رسیده است، و طبق استنباط یکی از دانشمندان
در یکی از آیات تهدید عجیبی بر ترك انفاق شده است

در سورة بقره آیه ۱۹۵ میفرماید **و انفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا**

باید یکم الی التهلکة

یعنی انفاق در راه خدا بکنید، و بادست خودتان خود را در هلاکت
و بدبختی نیندازید. همانطور که ملاحظه میفرمائید آیه کریمه درمرحله
اول دستور بانفاق داده و سپس فرموده بادست خودتان خود را هلاک نکنید
در حقیقت میخواهد بفرماید اگر رسیدگی بزندگان دیگران نکنید و
انفاق فی سبیل الله را ترك نمائید از همین راه بدبخت خواهید شد (۱)
(و خدای نکرده انقلاب کمونیستی و نظائر آن پیش خواهد آمد)

رسول اکرم میفرماید: ما آمن بی من بات شعبان و جاره جائع قال

مامن اهل قرية بیبت فیهم جائع ینظر الله الیهم یوم القیامة

بمن ایمان بمن نیاورده است آنکسی که شب باشکم سیر بخوابد و همسایه اش
گرسنه باشد و در هر شهرستانی که یک نفر گرسنه بخوابد خداوند در روز
قیامت بآنها نظر لطف نخواهد فرمود (۲)

(۱) البته این معنی طبق یک تفسیر و احتمال در آیه است و احتمال دیگر هم

دارد (۲) وافی باب حسن المجاورة.

یکی از شاگردان برجسته علامه بحر العلوم (ره) مرحوم سید جواد عاملی شب مشغول شام خوردن بود که درب منزل را کوبیدند، مرحوم سید جواد حس کرد که کوبنده در خادم بحر العلوم است. شنا بان بعقب در آمد، خادم گفت شام آقارا کشیده اند، ولی میل نکرده و منتظر شماست ناچار با عجله بمنزل استاد آمد، همینکه چشم استاد بسید جواد افتاد فرمود از خدا نمیترسی! آیا از خدا حیاء نمیکنی؟! عرض کرد چه روی داده؟ چه شده؟ فرمود یکی از برادران تو هفت شبانه روز است برای خوراک عیال خود خرما قرض می گرفت و تمکن بیش از آن نداشت، و در این چند روزه غیر از خرما آنهم خرما ی ژاهدی چیزی نخوردند و برنج و گندم اصلاً نچشیده اند! امروز هم که برای قرض کردن خرما رفت بقال گفت بدهی شما فلان مبلغ شده است، او هم شرم کرد و چیزی قرض نکرده بادست خالی بخانه برگشت الآن خود او و عیالش گرسنه هستند و شامی ندارند، ولی تو با اینکه خانها ت بخانه او متصل است و او را میشناسی تنها میخوری و خوش میگذرانی! سید جواد عرض کرد والله از احوال او بی اطلاع بودم استاد فرمود اگر از حال او با اطلاع بودی و شام میخوردی یهودی بودی!! و خشم من بر تو برای آن است که چرا اتجسس نکردی تا از احوال او باخبر باشی!! حالا خادم من این سینی غذا را همراه تو تا در منزل او میآورد، آنجا سینی غذا را از او بگیر و آن شخص را بطلب، وقتی آمد با او بگو خوش داشتم امشب با شما شام صرف نمایم! این کیسه را که مقداری پول در آن است همراه داشته باش و آهسته زیر فرش او بگذار! و تا برنگردی و خبر نیآوری که او شام خورد و سیر شد من شام نخواهم خورد!

چون سید جواد آمد و وارد منزل آن شخص گردید چشم او که بغذا افتاد گفت این غذای نفیس و خوشخورا کی است که عربها نمی توانند تهیه کنند تا سر گذشت را شرح ندهی من نخواهم خورد او هم ناچار داستان سید استاد را نقل کرد صاحب منزل گفت خدا گواه است که هیچکس از حالات من اطلاع نداشت (۱)

(۱) فوائد الرضویه ص ۸۶

گفتار زنان ژاک روسو

وقتیکه انسان علاقه بزند تهای روحی را از دست داد خیلی باشکال میتواند آنرا دوباره بدست بیاورد تقوی فقط در نظر آنکسی مطلوب است که فطرتاً با تقوی است . برای اینکه انسان نیروی انجام کار نیک را داشته باشد، فقط تعقل استدلال کافی نیست، اگر انسان عادت کرده باشد هر چیزی را از نقطه نظر منافع خود قضاوت کند ، ممکن است استدلال بدترین اعمال را مشروع جلوه گر سازد اینجاست که فکر وجود خدا لازم است . چون خدا هرگز آفرینش است ، همه چیز خودمان را نسبت باو تنظیم میکنیم و آنوقت است که دیگر عقل بما اجازه نمیدهد تمایلات زشت خود را پیروی نمائیم ، بدین طریق راه خرد پیدا میشود لطف خدا کوشش اخلاقی را که مبدول میداریم تقویت مینماید این کوشش بسیار قابل تحسین است زیرا روح مادر زنجیر جسم و حواس ما است و گسیختن این زنجیر بسی دشوار است .

امیل - ترجمه ژاک ژاده